

مطالعه تأثیر فساد و جرائم یقه‌سفیدان بر اقتصاد و امنیت ملی

جواد منظمی تبار^۱

چکیده

زمینه و هدف: برای درک ارتباط بین جرائم یقه‌سفیدها و امنیت ملی، لازم است پس از تبیین فساد ناشی از جرائم آن‌ها، مفهوم امنیت اقتصادی مورد کنکاش و کالبدشکافی قرار گیرد تا بدین وسیله میزان تأثیر رفتار مجرمانه یقه‌سفیدها در امنیت یا ناامنی ملی ادراک شود. لذا این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که مفاسد و جرائم یقه‌سفیدها چگونه امنیت اقتصادی و از آن طریق حوزه امنیت ملی را متأثر می‌سازند؟

روش: این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بدین گونه که ابتدا کلیه کتب، مقالات و آثار همه اندیشمندان که در مورد جرائم یقه‌سفیدها اظهار نظر کرده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفت. در نهایت، متونی انتخاب و تحلیل شد که حاوی مضامین مربوط به سؤالات تحقیق بودند.

نتایج و یافته‌ها: مجموع مطالعات نظری صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که جرائم یقه‌سفیدان ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متأثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ بدین صورت که مفاسد و جرائم مذکور پس از آنکه به شکل تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر بروز یافت، منجر به از بین رفتن مشروعیت به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و کلیدی امنیت ملی شده و در نتیجه امنیت ملی تضعیف می‌شود.

کلید واژه‌ها: امنیت ملی، امنیت اقتصادی، جرم، فساد، یقه‌سفیدها، مشروعیت.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی امین،

alirezamonazamisoft@gmail.com

مقدمه

فساد و جرائم یقه‌سفیدان از پدیده‌هایی هستند که در دنیای امروز، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه مطرح شده‌اند و این پدیده‌ها توانسته‌اند صدمات جبران‌ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخه توسعه جامعه ایجاد کنند. چارلز رایت میلز، جامعه‌شناس منتقد آمریکایی، جزء اولین پژوهشگران علوم اجتماعی بود که در سال ۱۹۵۱ با انتشار کتاب «یقه‌سفیدان» به ساختار طبقاتی جدید، ظهور و نقش یقه‌سفیدها پرداخت (هوارد^۱، ۲۰۱۸: ۲۵). در تعریف یقه‌سفیدان آمده است در بعضی از کشورها کسانی هستند که با سوءاستفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرائم سودآور غیر خشن می‌شوند که مهم‌ترین مصادیق جرائم ارتكابی مجرمان یقه‌سفیدها عبارت‌اند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرائم کاری و استخدامی، جرائم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرائم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرائم زیست‌محیطی، جرائم رایانه‌ای و جرائم گمرکی (دوکو و تنامونی^۲، ۲۰۱۸: ۶۸). مهم‌ترین علل فساد و جرائم یقه‌سفیدها به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و ناشی از محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. مفسد و جرائم یقه‌سفیدان اگرچه در حوزه خاکستری جامعه قرار دارند، ولی در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است. فساد مالی همزاد با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و مفسد مالی نیز شکل گرفته و همواره برای جامعه و عموم مردم تهدیدی جدی بوده و هست (بریتویت^۳، ۲۰۱۸: ۷۹). فساد مالی، پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در اوضاع مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد. فساد مالی، گاهی به صورت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به صورت مسئله‌ای فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت نظام را به خطر بیندازد (سیگل، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

1. Howard
2. Nduku, Elizabeth and Tenamwenye
3. Braithwaite



تعریف فساد در فرهنگ لغت آکسفورد عبارت است از انحراف از درستی به واسطه رشوه و انحراف هر چیزی از خلوص اولیه خود. مطابق چنین تعریفی، فساد شامل اقدامات نفع‌طلبانه سیاست‌مداران، تجار و مستخدمان دولتی می‌داند که به طریق ناشایست و غیرقانونی و با سوءاستفاده از مقام، شغل دولتی یا خصوصی صورت می‌گیرد (لهو و کبوی، ۲۰۱۵). به گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، فساد اداری دارای دو بعد است: در بعد اول، مقام دولتی در ارائه خدمات یا عقد قراردادها، منافع شخصی کسب می‌کند؛ در بعد دوم، برای دریافت خدماتی که ارائه آن قانونی نیست، رشوه‌ای پرداخت می‌شود. در هر دو بعد، فساد در تمامی سطوح بخش دولتی یا خصوصی اتفاق می‌افتد و دامنه آن می‌تواند از فساد سطح بالا (تأثیرگذاری بر خط‌مشی ملی/بین‌المللی) تا انواع مختلف سطح پایین‌گسترش داشته باشد (شاپیرو، ۱۳۹۶: ۱۲۸). جرائم یقه‌سفیدان به سبب نقض اعتماد موجود مابین سازمان (دولت یا نهادهای خصوصی) و کارمندان، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی سنگینی را بر دولت، سازمان‌ها و در کل سیستم اقتصادی کشورها تحمیل می‌کند. پیچیده و فنی بودن برخی مشاغل، تقلب و پنهان‌کاری یقه‌سفیدان و نبود آثار مادی، موجب دشواری کشف این جرم و افزایش آمار این نوع جرائم شده است. شیوع ارتکاب چنین جرائمی، اساس و مشروعیت دولت‌ها و سازمان‌های مختلف را زیر سؤال می‌برد و بذریع‌اعتمادی و بدبینی را نسبت به آن‌ها در جامعه پراکنده می‌کند. از این‌رو، بررسی همه‌جانبه و ویژگی‌های این جرم و مرتکبان آن‌ها، ریشه‌ها و پیامدها به‌منظور شناخت و برنامه‌ریزی جهت کاهش موارد ارتکاب آن ضروری به نظر می‌رسد.

جرائم یقه‌سفیدها فراتر از هزینه‌های اولیه و مستقیم، هزینه‌های ثانویه دیگری نیز به همراه دارد که به همان اندازه زیان‌بار است. تضعیف اعتماد در نظام اقتصادی و در میان رهبران تجاری، از دست رفتن اعتماد و اطمینان در نهادها، فرآیندها و رهبران سیاسی و فرسایش اخلاق عمومی سه حوزه مهم پیامد ثانویه جرم یقه‌سفیدها محسوب می‌شوند. جرائم و فساد یقه‌سفیدها با پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن در تمام کشورهای جهان (کم‌وبیش) وجود دارد. کشور ما نیز به نوعی با این عارضه دست‌به‌گریبان است و چندی است که توجه همه به این مسئله و لزوم مبارزه با آن معطوف شده است. فساد مالی پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی

و دارای علل و آثار چندگانه است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود و راه‌های مبارزه خاص خود را می‌طلبد. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهند (رونالد، شوهم و گیورا^۱، ۲۰۱۸؛ ساتن و وایلد^۲، ۲۰۱۸؛ عشاوی، ۱۳۹۳) جرائم یقه‌سفیدان ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متأثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ بدین صورت که مفاسد و جرائم مذکور پس از آنکه به شکل تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر بروز یافت، منجر به از بین رفتن مشروعیت که یکی از شاخص‌های مهم و کلیدی امنیت ملی است، می‌شود. بنابراین، برای درک ارتباط بین جرائم یقه‌سفیدها و امنیت ملی، لازم است پس از تبیین فساد ناشی از جرائم آن‌ها، مفهوم امنیت اقتصادی مورد کنکاش و کالبدشکافی قرار گیرد تا بدین وسیله میزان تأثیر رفتار مجرمانه یقه‌سفیدها در امنیت یا ناامنی ملی ادراک شود. لذا این مقاله، به دنبال پاسخ به این سؤال است که مفاسد و جرائم یقه‌سفیدها چگونه امنیت اقتصادی و از آن طریق حوزه امنیت ملی را متأثر می‌سازند؟ دستیابی به پاسخ سؤال اصلی پس از تعیین مقصود از برخی مفاهیم مرتبط، مستلزم بررسی پیرامون سؤالات و موضوعات زیر است:

- مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مفاسد و جرائم اقتصادی یقه‌سفیدها چیست؟
- مهم‌ترین مصادیق فساد و جرم اقتصادی یقه‌سفیدها چیست؟
- مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیت اقتصادی چیست؟
- کارکرد فساد و جرائم اقتصادی آن‌ها بر امنیت اقتصادی و امنیت ملی چیست؟

پیشینه

موضوع جرائم یقه‌سفیدها در متون مختلف به شکل‌های متنوعی مورد بررسی قرار گرفته و اغلب از آن با عنوان جرائم اقتصادی یا مالی یاد شده و آن را مترادف با فساد می‌دانند. در اینجا، به تعدادی از شاخص‌ترین آثار داخلی و خارجی اشاره می‌شود. تیتوس و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در نخستین ارزیابی ملی در آمریکا در رابطه با وقوع و گستردگی جرائم یقه‌سفیدها

1. Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora
2. Sutton, A. and Wild
3. Titus, R. M. Heinzelman, F. and Boyle, J M.



که به صورت تلفنی اجرا شد، دریافتند که نرخ بزه‌دیدگی از این جرائم (اعم از کلاهبرداری تام یا شروع به آن) ۵۸ درصد است. ۳۱ درصد از جمعیت نمونه اظهار داشته‌اند که آماج شروع به کلاهبرداری در سال گذشته بوده‌اند و ۴۸ درصد از این شروع به جرم‌ها با موفقیت همراه بوده است. رونالد، شوهام و گیورا^۱ (۲۰۱۸) و ساتن و وایلد^۲ (۲۰۱۸) نیز در مطالعات بعدی نرخ مشابهی گزارش کرده‌اند. آن‌ها نتیجه گرفتند احتمال آگاهی افراد از بزه‌دیدگی خود در جرائم یقه‌سفیدها در مقایسه با جرائم سنتی کمتر است. آکرمن^۳ (۲۰۱۸) بزه‌دیدگان جرم یقه‌سفیدها را به سه دسته بزه‌دیدگان اولیه یا شخصی، بزه‌دیدگان ثانویه یا سازمانی و بزه‌دیدگان ثالث (جامعه یا نظم عمومی) تقسیم می‌کند. او اثبات می‌کند بزه‌دیدگان مستقیم جرائم یقه‌سفیدها غالباً در موقعیتی نیستند که بتوانند بزه‌دیدگی خود را تشخیص دهند.

جرمی نیومن و پیترومارونگی^۴ (۲۰۱۶) در کتاب «پیشگیری از وقوع جرم» با یک تبیین کاملاً روان‌شناسانه، عقیده دارند مجرمان یقه‌سفید از عقده حقارت رنج می‌برند و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی آن‌ها برای کسب قدرت به شمار می‌رود. کلارک و اک^۵ (۲۰۱۸) نیز در مقاله خود با عنوان «تجزیه و تحلیل جرم برای حل مسئله» نشان دادند که جرائم یقه‌سفیدان نتیجه سه عاملی است که جامعه به وجود آورده است: عوامل روانی و فردی مثل ناپختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و غیره؛ عوامل اجتماعی شامل قضاوت دیگران و محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند و عوامل مادی که جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آن‌ها را متوقف می‌کند، در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زنند. چنانکه راجر متیز^۶ (۲۰۱۸) در تأیید نظر آن‌ها می‌گوید: بزهکاران یقه‌سفید وسایل قانونی را به منظور دستیابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند.

1. Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora
2. Sutton, A. and Wild
3. Ackerman
4. Newman, Graeme and Marongiu, Pietro
5. Clarke, R. and J. Eck
6. Matthews, Roger

دانیال راندی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله «هزینه‌های فساد»، نتیجه‌گیری می‌کند جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، پولشویی و قاچاق کالا، جرائم سازمان‌یافته هستند و با فساد ارتباط نزدیکی دارند. مجرمان اقتصادی برای پیشبرد امور خود نیازمند همکاری کارمندان فاسد در قسمت‌های مختلف به خصوص گمرک و بانک‌ها هستند. عمرافز و لی‌یانگ^۲ (۲۰۱۷) نیز در مقاله خود با عنوان «علل و پیامدهای فساد در زمینه خسارات جرائم یقه‌سفیدان» بیان می‌کند: خسارات رو به رشد جرائم یقه‌سفیدان بسیار گسترده است. طبق تخمین، اختلاس و دله‌زدی کارمندان، حدوداً هفت میلیارد دلار در سال بر مشاغل مختلف در آمریکا خسارت وارد می‌سازد. خسارات ناشی از جرائم یقه‌سفیدان رانمی‌توان تنها در دلار خلاصه کرد. همچنین، دوکو و تنامونی^۳ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «فساد در آفریقا»، می‌نویسند: مجرمان یقه‌سفید، خواه به‌عنوان کارمند حقوق‌بگیر و خواه به‌عنوان مأموران عمومی، جایگاه «اعتماد» را اشغال می‌کنند. اغلب آن‌ها مسئولیت‌های تصمیم‌سازی و مدیریت و پرداخت حقوق به دیگران را بر عهده دارند. سوءاستفاده آن‌ها از دارایی‌ها و قدرت، سبب نقض اعتماد مردم می‌شود و ممکن است موجب تضعیف ایمان عمومی در اقتصاد بازار (اقتصاد بازار آزاد) و عقاید رهبران بازرگانی، دموکراسی، سیاسی و اخلاق عمومی می‌شود.

علی اصغر شفیعی خورشیدی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «فساد اقتصادی و روش‌های پیشگیری از آن» بیان می‌دارد: فساد مالی و اقتصادی کارمندان دولت عبارت است از کلیه رفتارها و سوءرفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌شوند. دقیقی سریرافراز، سادات ملکیان و فهیمی فر (۱۳۹۶) نیز در مقاله خود با عنوان «رویکردی میان‌رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم (رهیافت اقتصادی - روان‌شناسی)» نتیجه می‌گیرند که جرائم یقه‌سفیدان عمدتاً متأثر از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است و دارای ابعاد بین‌المللی نیز است. همچنین، قوچانی (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان «جرائم یقه‌سفیدها»، نتیجه می‌گیرند تلقی ما از جرم یقه‌سفیدها بر ساخته اجتماع

1. Runde, Danial F

2. Azfar,omar, Lee Young and Anand Swamy

3. Nduku, Elizabeth and Tenamwenye



است و این‌گونه تصور می‌شود که جرم یقه‌سفیدها بیشتر مالی است، در حالی که در بسیاری از موارد خشونت در جرائم آن‌ها دیده می‌شود.

پل هیوود (۱۳۹۱) در کتاب «فساد سیاسی در زمینه جرائم یقه‌سفیدان» می‌نویسد: از نیمه اول قرن بیستم که مجرمان یقه‌سفید توسط ادوین ساترلند مطرح شدند، جرائم علیه اموال یا جرائم با انگیزه مالی، دیگر به شکل گذشته، جرم فقرا نیست، بلکه جرم صاحب‌منصبان طبقات متوسط و بالا است. همچنین، کین پیسی^۱ (۲۰۱۶) در کتاب «انتخاب عقلانی و جلوگیری از جرم موقعیتی»، در زمینه عوامل مؤثر بر جرائم یقه‌سفیدان می‌گوید: هرچه فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر می‌شود. لذا دلایل ارتکاب جرم عبارت‌اند از: استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه (در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تأمین می‌شود)؛ به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرائم آن‌ها با اغماض برخورد می‌شود؛ محیط اقتصادی، محیطی شفاف نیست، در نتیجه فعالیت آن‌ها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد؛ رسیدگی به این جرائم نیز به اهل فن واگذار می‌شود که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل جرائم می‌شود. همچنین، جرج ولد و جفری استیپس (۱۳۹۶) در کتاب «جرم‌شناسی نظری پیرامون جرائم یقه‌سفیدان» می‌نویسند: شناسایی مجرمان یقه‌سفید، بسیار پیچیده و جمع‌آوری دلایل قطعی، بسیار دشوار است و درنهایت، به زیان گروه‌های بی‌گناه خواهد بود.

روش

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و اسنادی است. بدین گونه که ابتدا کتب، مقالات و آثار اندیشمندانی که در مورد جرائم یقه‌سفیدها اظهار نظر کرده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به اهداف و پرسش‌های اصلی پژوهش، متونی استخراج شد که به لحاظ معانی و مضامین، مربوط به پیامدهای امنیتی جرائم یقه‌سفیدها بودند. سپس متون استخراج‌شده مورد تحلیل قرار گرفت تا ارتباط منطقی میان آن‌ها لحاظ شود.

1. Pease, Ken

یافته‌ها

در دو دهه گذشته طرح‌های ضد فساد بسیاری در میان دستگاه‌های قضایی و دیگر بخش‌ها اجرا شده و به دنبال آن، موارد افشای فساد نیز فراگیرتر شده است. این موضوع نه فقط در سطح ملی و کشوری (مانند ایتالیا، ایرلند، ژاپن، کشورهای مشترک‌المنافع و اسپانیا)، بلکه در سطوح بین‌المللی و فراملی نیز طرح شده است (برای مثال استراتژی‌های ضد فساد اتحادیه اروپا در کشورهای کمونیستی سابق). پس از سال‌ها بحث و تحقیق، دانش پژوهان، متخصصان و سیاستمداران به این نتیجه رسیده‌اند که فساد از موانع عمده صلح و ثبات، توسعه پایدار، دموکراسی و حقوق بشر در سراسر جهان است. گسترش فساد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی را سست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند. اکنون جهانیان می‌دانند که لازمه برقراری دولت کارآمد، اثربخش و عادل، مبارزه با فساد است (راغفر، ۱۳۸۷: ۱۳۴). در ادامه به بررسی روابط میان جرائم یقه‌سفیدان و امنیت ملی در جامعه ایران پرداخته می‌شود.

عوامل مؤثر بر مفاسد و جرائم یقه‌سفیدها

محققان و صاحب‌نظران در این زمینه به عوامل مؤثر بسیاری اشاره داشته‌اند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصار جو طرد نشوند، سرمایه‌گذار، تولیدکننده و اشتغال طلب همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۸۰). در این بیانات، امتیازطلبی و زیاده‌خواهی از مؤلفه‌های مهم و از عواملی تلقی شده که برخی افراد و گروه‌های انسانی را به راه‌های نامشروع و غیرقانونی که از آن به فساد و جرم اقتصادی یاد می‌شود، می‌کشاند.

برخی واقعیت‌های اجتماعی حاکی از آن است که افراد در روند زندگی روزمره فردی و اجتماعی خویش، اغلب پیش از آنکه به فکر منافع و مصالح دیگران باشند، در پی دستیابی



به مقاصد و منافع شخصی خود هستند. به‌ویژه افرادی که فاقد ویژگی‌های والای انسانی و اخلاقی بوده یا از این خصلت ارزشمند کم‌بهره باشند، بیشتر از دیگران دچار این رفتار خودبینانه خواهند بود. برخی محققان معتقدند معنای این گزاره این نیست که آن‌ها منافع جمعی را نادیده می‌گیرند، بلکه به این معناست که آن‌ها همواره منفعت شخصی‌شان را در اولویت قرار می‌دهند (خضری، ۱۳۹۷: ۱۲). این موضوع در مورد مدیران و کارکنان دولتی که دسترسی مستقیم به منابع پولی و مالی دولت و بیت‌المال داشته و مسئولیت مدیریت و نظارت بر فرآیند تولید، نگهداشت، توزیع و مصرف منابع و سرمایه‌ها به آن‌ها سپرده شده است، صدق می‌کند.

برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی، علل و عوامل فساد آفرین اقتصادی در کشور را ناشی از موارد متنوع و گوناگون می‌دانند؛ برخی از مهم‌ترین آن‌ها را شامل تبخیر و اسراف مسئولان، نابرابری، بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی، عدم تطبیق درآمدها، محدود کردن راه‌های کسب و درآمد حلال، عدم همکاری و هماهنگی بین قوا، نهادها و ارگان‌ها، ضعف نظام اداری، اجتماعی، اقتصادی و بی‌کفایتی حرفه‌ای، عادی شدن تخلفات جزئی، فراهم شدن زمینه فعالیت برای افراد ناصالح، ناکارآمد بودن و ضعف مدیریت نهادهای متصدی در برخورد با ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنان، کم بودن میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حاکم نبودن قوانین شفاف، نهادینه نشدن نظارت و کنترل در همه سطوح، عدم بهره‌گیری از کارشناسان دلسوز نظام در مراکز تصمیم‌گیری مهم خصوصاً اقتصادی، عدم رعایت منع کارمندان در معاملات دولتی، وجود دستگاه‌های عریض و طویل ناکارآمد، عدم کارشناسی کافی در طرح‌های مهم دولتی، عدم اجرای قوانین مقررات و ضوابط، دست و پاگیر بودن راه‌های قانونی، شفاف نبودن برخی از مناقصه‌ها و مزایده‌ها، پرداخت‌های غیرقانونی از منابع و درآمدهای مبهم، عدم کنترل مالی و وجود حجم عظیم پول سیاه در بعضی دستگاه‌ها، به وجود آمدن شرکت‌های وابسته و شرکت‌های دولتی با هویت دوگانه، عدم عزم در وصول مطالبات معوق دولتی از سازمان‌ها، مشکلات نظام مالیاتی و گمرکی کشور، رها کردن گلوگاه‌های اصلی، بهره‌برداری از مأموران ناآشنا و آموزش ندیده، مشکلات نظام بانکی و پولی کشور، بروکراسی‌های پیچیده، دفاع متعصبانه و مطلق مسئولان از زیرمجموعه خود، بسته بودن اطلاعات و عدم دسترسی به

اطلاعات واقعی، فقدان امنیت شغلی و توهم عدم امنیت، حمایت‌های حزبی، باندی و گروهی از متخلفان، عدم برخورد جدی با متخلف و ضعف نظام کیفری و قضایی، پایین بودن سطح معیشت و نبودن نظام تأمین اجتماعی مناسب و کارآمد می‌دانند (صادقی، شقاقی شهری و اصغرپور، ۱۳۹۴: ۹۷).

یکی از عوامل و بسترهای بروز مفاسد اقتصادی و جرائم یقه‌سفیدها تأمین هزینه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی برخی از افراد و گروه‌ها است که قصد ورود در این میدان را دارند. به تعبیر بهتر برخی افراد و گروه‌ها، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی را پوششی برای اقدامات مجرمانه خود قرار می‌دهند. این مسئله در جامعه ایران به‌طور محسوس قابل تأمل و تحلیل است. ذکر مثالی در این زمینه می‌تواند به درک این واقعیت تلخ کمک کند؛ وقتی فردی آماده می‌شود خود را در عرصه‌ای مثل نمایندگی مجلس مطرح کند، به‌طور طبیعی نیاز به فرد یا مجموعه‌ای افراد دارد تا او را برای رسیدن به این مهم یاری دهند و به تعبیر رایج در عرف انتخاباتی صحنه‌گردان ستاد انتخاباتی او شوند و او را در پیروزی در عرصه رقابت‌های انتخاباتی کمک کار باشند. طبعاً این افراد بی‌جهت و بدون چشم‌داشت از او وارد این فعالیت‌ها نمی‌شوند، لذا در پی دستیابی به اهدافی هستند که یک نماینده مجلس پس از به قدرت رسیدن می‌تواند آن اهداف را برآورده کند. تجربه حاصل از بررسی این فرآیند حاکی از آن است که این افراد با استفاده از رانت ناشی از ارتباط نماینده مجلس با دستگاه‌های اجرایی کشور می‌توانند روند دستیابی به امتیازات مختلف را تسهیل کنند. ذکر مثالی که مصادیق بسیار زیادی دارد می‌تواند روشن‌گر این ادعا باشد. در شرایط گذشته نزدیک و فعلی اقتصاد کشور، فردی که می‌خواهد به تسهیلات بانکی ناشی از درآمدهای نفتی و غیره دست پیدا کند به سادگی نمی‌تواند به هدف خود نائل شود. او ناچار است ابتدا در قالب فعالیت‌های تولیدی و تجارت، طرحی تولیدی یا تجاری را محمل کار خود کند. لذا به‌واسطه رانت ناشی از ارتباط با نماینده مجلس به دستگاه‌هایی همچون سازمان صنایع و بازرگانی مراجعه و متقاضی دریافت مجوز برای فعالیت در این عرصه می‌شود. پس از سپری کردن پروسه‌ای که در روند بروکراسی موجود در ساختار دیوانی جامعه وجود دارد، مجوزهای لازم را اخذ و باز با لابی‌های مختلف با پوشش مذکور به منابع کلان بانکی دست پیدا می‌کند و به جای آنکه



در عرصه تولید و اشتغال که متأسفانه در شرایط فعلی نرخ ریسک آن زیاد است، فعال شود، تسهیلات را در اموری که تنها نفع شخصی آن قابل توجه است، هدایت و بکار گیری می‌کند. یکی از آن عرصه‌ها در سنوات اخیر بخش زمین و مسکن شهری بوده است که منافع سرشاری را نصیب مفسدان اقتصادی کرده است (صبحی و ملک الساداتی، ۱۳۹۶: ۷۶).

آنچه در این زمینه نقش اساسی و کلیدی در شکل‌گیری مفاسد و جرائم کلان اقتصادی دارد، ناکارآمدی در نقش کنترلی و نظارتی افراد و دستگاه‌های ذی‌ربط است. مفسدان اغلب با آلوده کردن افراد و گروه‌های ذینفع در این زمینه مانع از تحقق اهداف نظارتی و کنترلی شده و در هزینه شدن صحیح تسهیلات انحراف ایجاد می‌کنند (قاسمی روشن، ۱۳۹۵: ۸۷). برخی اندیشمندان نیز عوامل موجد فساد اقتصادی را به دو دسته نهادی و غیرنهادی تقسیم کرده‌اند (نیومن، کلارک، شوهام و گیورا، ۲۰۱۸). عواملی چون مشکل کارفرما-کارگزار، ناکارایی و فساد اداری، رانت‌جویی و فساد اداری، فساد سیاسی و فساد اداری و ناکارآمدی نظارت را تحت عنوان عوامل نهادی و عواملی مانند نظام انگیزشی مخدوش، کاهش سرمایه اجتماعی، حقوق و مزایای ناکافی، نزدیک‌بینی نسبی بروکرات‌ها، بیگانه بودن بروکرات‌ها با سازمان، نارسایی در فرآیند ارتقاء و انتصاب (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۳) را تحت عنوان عوامل غیر نهادی به‌طور مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که به‌منظور رعایت اختصار از توضیح بیشتر خودداری می‌شود.

مصادیق فساد و جرائم اقتصادی یقه‌سفیدها

عرف اجتماعی مصادیق فساد و جرائم یقه‌سفیدها را شامل موارد متعددی می‌داند. ولی در متون حقوقی مصادیق آن بسیار نادر و انگشت‌شمار است؛ زیرا از نظر قانون جرم اقتصادی تنها شامل مواردی می‌شود که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد. ریس و بیدرمن معتقدند هرگاه یک کارگزار، قانون را به نفع شخصی خود و با قربانی کردن منافع حاصله از یک اصل حقوقی نقض کند، فساد رخ داده است (ریس و بیدرمن^۱، ۲۰۱۷: ۱۲۹). برخی از مهم‌ترین مفاسد و جرائم اقتصادی عبارت‌اند از:

- دریافت تسهیلات غیرمجاز بانکی؛
 - عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی؛
 - تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آن‌ها؛
 - پولشویی؛
 - رشاء و ارتشاء؛
 - اختلاس (به‌ویژه در نزد مدیران ارشد دستگاه دیوان‌سالاری و دیوان‌سالاران)؛
 - دخالت در معاملات دولتی و مناقصه‌ها و مزایده‌ها؛
 - تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی؛
 - دریافت پورسانت در معاملات دولتی؛
 - فرار مالیاتی؛
 - عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی؛
 - بهره‌برداری نامشروع از اطلاعات موجود در سیستم دولتی به نفع شخصی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط کارکنان دولت؛
 - تصرف غیرقانونی در اموال دولتی؛
 - تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی؛
- در ادبیات علوم اجتماعی، مجموعه جرائم فوق را با عنوان جرائم یقه‌سفیدان می‌نامند (حاجیانسی، ۱۳۹۴: ۴۹۴)؛ زیرا اغلب این جرائم و مفاسد توسط صاحبان قدرت و ثروت به‌واسطه رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با متولیان جریان اقتصاد و درآمدهای دولت صورت می‌گیرد. تجربیات قضات و مأموران پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی در رسیدگی به پرونده‌های مفسدان اقتصادی حاکی از آن است که جرائم و مفاسد اقتصادی به‌تنهایی رخ نمی‌دهند و شکل‌گیری آن‌ها مستلزم ارتکاب مجموعه‌ای از جرائم توسط مجرمان اقتصادی است (موسوی مجاب، ۱۳۹۷: ۹۵).

کارکردهای فساد و جرائم اقتصادی یقه‌سفیدها بر امنیت اقتصادی و امنیت ملی
اگر قانون مداری و کارآمدی از نشانه‌های حاکمیت‌های باثبات و دارای امنیت پایدار در



نظر گرفته شود، به‌طور طبیعی توسعه و افزایش فساد و جرم در جامعه که از مظاهر اصلی قانون‌گریزی و ناشایسته سالاری است، از علائم مشخص دولت‌ها و ملل ناکارآمد و فاقد نظم خواهند بود. بروز و ظهور جرائم و مفسد اقتصادی در جوامع، از مظاهر بدیهی نقش کارکنان دولت و دست‌اندرکاران حکومتی در این زمینه است که آثار غیرقابل انکار بر عرصه اقتصاد کشور و امنیت اقتصادی مردم دارد. گسترش فساد و جرائم اقتصادی که ناشی از نادیده گرفتن نظامات و مقررات موضوعه در جریان پولی و مالی کشور و مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده است، جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد (عباس زادگان، ۱۳۹۶: ۳۲).

همان‌گونه که در مباحث بالا درباره تعریف و تبیین چارچوب مفهومی امنیت اقتصادی توضیح داده شد، ایجاد بسترهای تأمین نیازهای رفاهی جامعه، جزء حداقل‌های انتظارات اجتماعی از کارکرد حاکمیت است. طبعاً هنگامی که دولت‌ها به دلایل گوناگون و به‌ویژه به دلیل رواج مفسد و جرائم گسترده اقتصادی و بروز اخلال در نظام تولید، توزیع و مصرف از عهده تأمین حداقل‌های مذکور بر نمی‌آیند و از پاسخگویی به مطالبات منطقی اقشار مختلف جامعه عاجز هستند، فاقد امنیت اقتصادی محسوب می‌شوند و به مجموعه‌ای ناکارآمد در نظر مردم و نخبگان تبدیل می‌شوند. به هر حال حاکمان مزبور مقبولیت و مشروعیت خود را نزد آحاد مردم از دست می‌دهند، بدین‌صورت زمینه برای روی آوردن جامعه به روش‌ها و مراجعی دیگر برای تأمین خواسته‌های خود فراهم می‌شود. در صورت توسعه و گسترش چنین وضعی، جامعه سازوکارهای انسجام بخش خود را از دست می‌دهد، دچار بحران‌های دیگری همچون توزیع، مشارکت و مشروعیت خواهد شد. آنگاه امنیت ملی کشور به‌طور جدی دچار تزلزل می‌شود. نتیجه طبیعی توسعه چنین وضعی، بی‌اعتمادی فزاینده مردم و نخبگان به توانایی و مشروعیت دولت و حاکمیت خواهد بود.

اندیشمندان، آثار فساد اقتصادی را که به‌طور مستقیم امنیت ملی کشور را متأثر می‌سازد شامل فروپاشی سیستم سیاسی، ناکارآمدی سیاست‌های نظام، عقب‌ماندگی کشور، پرورش سازمان‌های رعب‌آور مافیایی، ضعف حاکمیت و عملکرد آن، اخلال در اجرای قانون، هرج‌ومرج، بی‌ثباتی، جرم و جنایت بیشتر، فقر - محرومیت، گسترش اقتصاد زیرزمینی و کاهش سطح

درآمدهای دولت، فرار سرمایه و فکر از مملکت، نامتعادل شدن کل نظام، عدم اقتدار و بروز خلأ و نبود انضباط اجتماعی که باعث بروز ظلم شود، کاهش وفاداری و اعتماد مردم به نظام، شکنندگی نظام در برهه‌های حساس و بی‌ثباتی سیاسی، تردید در مقبولیت نظام اقتصادی و اقتصاد سیاسی کشور و در نهایت مشروعیت سیاسی نظام می‌دانند. فساد در سطح بالا را یکی از بهترین علامات عدم مشروعیت دانسته، معتقدند معمولاً سقوط رژیم‌های سیاسی با فساد عمومی همراه است (دوگان، ۱۳۹۷: ۲۷۷). بدین شکل فعالیت‌های حکومت در عرصه اقتصاد که باید واجد کارکردهای مثبت باشد و موجب افزایش و ارتقای سطح مشروعیت و در نهایت تأمین حداکثری امنیت ملی در جامعه شود، کارکرد منفی، ناکارا و حتی ضدکارا از خود بروز داده موجب تضعیف سطح امنیت می‌شود.

نقش دولت در کنترل فساد و برقراری امنیت اقتصادی و ملی

یکی از کارکردهای دولت، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه است. مفاسد و جرائم اقتصادی تأثیر مستقیم در ناکارآمدی کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد، اما در نهایت دولت با سیاست‌گذاری در راستای مهار فساد و جرم، می‌تواند موجب برقراری امنیت اقتصادی شود (سردارنیا، ۱۳۹۶: ۳۳). امنیت اقتصادی عبارت است از حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (ماندل، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

امروزه بعد اقتصادی امنیت ملی جای بعد نظامی را گرفته و به نقطه مرکزی تبدیل شده است (لطفیان، ۱۳۹۵: ۷۳). بنابراین، تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردها و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق‌ناپذیر است و اساساً بعد اقتصادی، مهم‌ترین بعد تهدید امنیت ملی است (عیوضی، ۱۳۹۶: ۴۹). در مواردی، نزاع‌ها، کشمکش‌ها و حتی جنگ‌های کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می‌شوند (ربیعی، ۱۳۹۳: ۱۳۹)، اما فساد و جرم اقتصادی توأم موجب تهدید امنیت اقتصادی کشورها به ویژه در اقتصادهای رانتی می‌شود؛ زیرا این کشورها از یکسو دارای منابع زیرزمینی خدادادی هستند که بدون هیچ زحمتی آن‌ها را صاحب ثروت‌های فراوان کرده و از سوی دیگر این منابع به واسطه مالکیت



عمومی، در اختیار دولت و کارکنان دولتی قرار گرفته است. پدیده فساد و جرم اقتصادی ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متأثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا مفساد و جرائم به شکل تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر بروز می‌کنند و منجر به از بین رفتن مشروعیت به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی امنیت ملی می‌شوند (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۳۵). همه دولت‌ها، توزیع مزایای ارزشمند و تحمیل هزینه‌های سنگین را کنترل می‌کنند. توزیع این مزایا و هزینه‌ها معمولاً تحت کنترل مقامات دولتی است که از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. ممکن است برخی از افراد و شرکت‌های خصوصی مایل باشند برای بهره‌مند شدن از مزایای خاص، پول بپردازند. اینگونه پاداش‌ها چنانچه به‌طور غیرقانونی، با هدف به دست آوردن مزایای خاص با خودداری از پرداخت هزینه‌هایی به کارگزاران دولتی پرداخت شود، فساد به شمار می‌آید. از فساد مالی به سوءاستفاده از قدرت عمومی برای تأمین منافع شخصی تعبیر می‌شود. فساد می‌تواند به طرق مختلفی مانند گرفتن مجوز ساختگی برای فعالیت خاص، تبانی در پرداخت مالیات‌ها، دستکاری در امور ملکی و اسناد دولتی، ورود به مناقصات، مزایده‌ها و قراردادهای دولتی، سوءاستفاده در امر تهیه و توزیع کالاها و خدمات، استخدام و اعطای مقامات دولتی و غیره انجام گیرد. فساد زمانی پدیدار می‌شود که انحراف در نظام مقررات و سیاست‌گذاری، زمینه آن را فراهم آورده و نهادهای بازدارنده آن نیز ضعیف عمل کنند (رئیس‌ی دانا، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

اقدامات پیشگیرانه دولت در حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی اقدامات پیشگیرانه عبارت‌اند از: ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری و فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم (اشرفی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). به این ترتیب عوامل کاهش جرم عبارت‌اند از: صنعتی شدن، توزیع عادلانه درآمد، کاهش نرخ بیکاری، کاهش فقر نسبی. همچنین، عوامل اقتصادی جرم شامل افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی می‌شوند. به هر ترتیب، یکی از دلایل گسترش عمومی فساد و جرم، فقر عمومی است. فقر خود دو نوع است: فقر مطلق که به معنی عدم توانایی مالی برای تأمین حداقل‌های لازم در زندگی از جمله

تأمین سلامت و بهداشت است و فقر نسبی؛ در این نوع فقر، حداقل‌ها برای فرد امکان‌پذیر است، اما نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه، فقیر محسوب می‌شود. فشار فقر و ناتوانی می‌تواند به بی‌مسئولیتی و انحرافات اجتماعی بینجامد. ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهم‌ترین عامل برای ریشه‌کنی و مبارزه با جرم است. فقر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. اکثر مطالعات این گزاره را تأیید می‌کنند (صادقی، شقاقی شهری، اصغرپور، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۳). مفاسد و جرائم اقتصادی چون همراه با تبانی کارکنان دولتی صورت می‌گیرند، در چارچوب فساد اداری هم تعریف می‌شوند (دادخدایی، ۱۳۹۶: ۳۷).

نتیجه‌گیری

سازمان‌های بین‌المللی، فساد سیاسی و مالی را به عنوان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی ناشی از جرائم یقه‌سفیدها از بزرگ‌ترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند. در دهه گذشته، سیاست‌های اقتصادی گسترده‌ای نظیر تشویق تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی کارخانه‌ها، صنایع و شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمومی مانند آموزش و پرورش توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتخاذ شدند، اما برخلاف انتظار، رشد سریعی حاصل نشد و درآمدهای ملی آن‌ها کاهش چشمگیری نشان داد. علت اصلی این مسئله، یعنی شکست برنامه‌های اصلاحات از جمله خصوصی‌سازی، در فساد گسترده یقه‌سفیدها در این کشورها بود.

مصادیق جرائم یقه‌سفیدها، فعالیت‌ها و اقداماتی از جمله رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی، خرید آراء، کمک غیرقانونی به تبلیغات نامزدهای انتخاباتی، سوءاستفاده از قدرت و عهدشکنی، اختلاس و حیف و میل وجوه دولتی را شامل می‌شود. قوانین جزایی بیشتر کشورها، مجازاتی برای این موارد در نظر گرفته‌اند. بیش‌ترین تأثیر فساد بر افراد



فقیر و ضعیف جامعه است؛ زیرا برداشت غیرقانونی از وجوه دولتی یا منابع اقتصادی باعث می‌شود که منابع ملی به بخش‌های عمومی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی، خدمات پلیسی و نیروهای امنیتی اختصاص پیدا نکند. همچنین، فساد به کاهش سرمایه‌گذاری و حتی فرار سرمایه از کشور منجر می‌شود. این مسئله به نوبه خود به مشکلات تخریب‌کننده توانمندی توسعه ملی و جهانی مانند رعایت نکردن حقوق بشر، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، فعالیت‌های غیرمردمی ناشی از تقلب، دزدی و سوءاستفاده مالی منتهی می‌شود.

هر جا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پرهزینه، وقت‌گیر و تحمیل‌کننده هزینه مبادله باشد، عقلانیت اقتصادی، کارگزاران اقتصادی را به سوی روش‌های کم‌هزینه‌تر سوق می‌دهد و آن‌ها را وامی‌دارد که روشی را برگزینند که مستلزم صرف هزینه کمتر است. عوامل کاهش فساد، ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری، فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم است. به این ترتیب عوامل کاهش جرم عبارت‌اند از: صنعتی شدن، توزیع عادلانه درآمد، کاهش نرخ بیکاری و کاهش فقر نسبی.

هدف برنامه‌ها و فعالیت‌های اصلی باید جلوگیری و مبارزه با پنج نوع فساد؛ مبارزه با فساد سیاسی و قانونی، مبارزه با اختلاس و سوءاستفاده از بودجه دولت، مبارزه با اخاذی و اجحاف کارمندان و مسئولان نسبت به بخش خصوصی، مبارزه با سوء تخصیص و حق‌کشی در توزیع کالاها و خدمات دولتی (به‌ویژه محصولات شرکت‌های دولتی)، مبارزه با دزدی و سوءاستفاده از اموال دولت باشد و برای نیل به این اهداف، روش‌های زیر را می‌توان در قالب گروه‌های زیر ارائه داد:

- ایجاد شفافیت اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های مالی و نحوه توزیع خدمات و محصولات دستگاه‌ها و مؤسسه‌های وابسته به دولت به گونه‌ای که مردم و مسئولان به‌طور یکسان به این اطلاعات دسترسی داشته باشند؛

- فعالیت‌های تجسسی به‌منظور شناسایی موارد فساد اداری؛

- ایجاد مراکز مستقل رسیدگی به شکایات مردم از مراجع دولتی؛

- ایجاد شرایط مناسب برای حسابرسی؛
- مطالعه و ارزیابی مستمر هزینه و عملکرد فعالیت‌های ضد فساد در کلیه سطوح دولت؛

راهکارها

- نظام‌مند ساختن و شفاف کردن سیستم بانکی از طریق ابزار دقیق نظارتی و همچنین انتخاب افراد شایسته و سالم در نظام بانکی کشور؛
- توسعه و گسترش بانکداری الکترونیک؛
- مجازات متناسب با جرم برای تمامی سوءاستفاده‌کنندگان و مجرمان.



منابع

منابع فارسی

- اشرفی، محمود و یزدانی، محمدحسین (تابستان ۱۳۹۶). پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه علوم اجتماعی. گروه اجتماعی. شماره اول، صص؟
- بوزان، باری (۱۳۸۸). مردم، دولت‌ها و هراس (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ویور، ال و ویلد، پاپ دو (۱۳۹۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنی (علیرضا طیب، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم.
- حاجیانسی، ابراهیم (۱۳۹۴). جرائم سازمان‌یافته؛ مفهوم، مدل‌ها و تأثیرات آن بر ثبات سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال هشتم، شماره سوم، صص؟
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰). پیام هشت ماده‌ای در مورد مبارزه با مفاسد اقتصادی. دفتر مقام معظم رهبری.
- خضری، محمد (۱۳۹۴). تحلیل نهادی فساد اداری. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال هشتم، شماره سوم، صص؟
- خضری، محمد (۱۳۹۷). بررسی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور. گزارش پژوهشی شماره ۶۶-۲-۱-۲-۱۳۹۷. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیلیان، محمد جمال (۱۳۹۴). شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دوگان، متی (۱۳۹۷). دیدگاه‌های مختلف نسبت به مسئله مشروعیت؛ در کتاب گزیده مقالات سیاسی/امنیتی. جلد دوم. (پژوهشکده مطالعات راهبردی مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راغفر، حسین (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی فساد. مجلس و پژوهش. سال ۱۴، شماره ۵۸، صص؟
- ربیعی، علی (۱۳۹۳). مطالعات امنیت ملی؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ربیعی، علی (۱۳۹۵). زنده باد فساد؛ جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ پنجم.

- ره پیک، حسن (۱۳۹۵). *ابعاد و مظاهر تهدیدات امنیت ملی*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۹۳). *عوامل ایجاد فساد اداری - مالی در ایران*. تهران: انتشارات آگاه.
- سیگل، لاری جی (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی* (باشار سیف‌الهی، مترجم). تهران: انتشارات دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا.
- شفیع‌ی خورشیدی، علی اصغر (۱۳۹۶). *فساد اقتصادی و روش‌های پیشگیری از آن*. نشریه الکترونیکی مرکز مطالعات توسعه قضایی. سال؟ شماره؟ صص؟
- عباس زادگان، سید محمد (۱۳۹۶). *فساد اداری*. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عشماوی، سعدالدین محمد (۱۳۹۳). *مروری بر جرائم اقتصادی کشورهای عربی* (محمدرضا نصراله‌ی و سید عیسی حسینی، مترجمان). تهران: انتشارات کارآگاه.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶). *امنیت جمهور اسلامی ایران در فرآیند جهانی شدن*. ماهنامه نگارش راهبردی. شماره ۷۹ و ۸۰، صص؟
- قوچانی، محمد (۱۳۹۶). *جرائم بقیه سفیدها*. تهران: آگاه.
- لطفیان، سعیده (بهار ۱۳۹۶). *پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۱۷، صص؟
- ماندل، رابرت (۱۳۹۵). *چهره متغیر امنیت ملی* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم.
- ولد، جرج و جفری اسنیپس (۱۳۹۶). *جرم‌شناسی نظری* (علی شجاعی، مترجم). تهران: سمت.

منابع انگلیسی

- Azfar, Omar, Lee Young & Anand, Swamy (2017). *The Causes Consequences of Corruption, Research, White Paper, no.1, Januar 2017*. In: www.Charney-Research.com.
- Braithwaite, J. (2018). *Poverty, power and white-collar crime: Sutherland and the paradoxes of criminological theory*, London: Routledge & Paul Kegan.
- Clarke, R., & J. Eck (2018). *Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small*



۱۰۱

Steps, Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services. Rational choice and situational crime prevention: heoretical foundations, New York, Routledge.

- Matthews, Roger (2018). Rational Choice, Routine Activities and Situational Crime Prevention, Realist Criminology, Boston: Northeastern University Press. PP. 72-93.

- Nduku, Elizabeth and Tenamwenye (2018). Corruption in Africa: A Threat to Justice and Sustainable Peace, December 2018, In: www.Globethics.net. - The Costs of Corruption in Vietnam from a Macro, Provincial and Firm Perspective, Edited Report: August 2018, P.6. In: www.Coffey.com.

- Newman, Graeme and Marongiu, Pietro (2016). Situational Crime Prevention and the Utilitarian Theories of Jeremy Bentham, in Newman, New York: Oxford University Press.

- Odum, Howard (2018). American sociology Edwin H. satherland, <http://www.brocku.ca/mead/project/inventory5>.

- Pease, Ken (2016). Predicting the Future: The Roles of Routine Activity and Rational Choice Theory, in Newman, Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora. Rational choice and situational crime prevention: theoretical foundations, New York, Routledge.

- Reiss, A. J. Jr. and Biderman, A. (2017). Data sources on white-collar law-breaking. Washington, DC: U.S. Government Printing Office. crime: Populist and patrician perspectives. Journal of Criminal Justice Education 19: 155–174.

- Runde, Danial F. (2016). The Costs of Corruption: Strategies for Ending a Tax on Private-Sector-Led Growth, February 2016, Center for Strategic and International Studies. In: www.CSIS.org.

- Sutton, A. and Wild, R. (2018). Small business: White-collar villains or victims? International Journal of the Sociology of Law 13: 247–259.

- Titus, R. M. Heinzelman, F. & Boyle, J.M. (2018). Victimization of Persons by Fraud. Crime and Delinquency 41 (2018): 54–72.